

شهر و شهروند و مدیریت شهری

احمد دنیامالی

● شهر یک تولید و برساخت اجتماعی است و هویت خویش را بیش از آنکه از عناصر کالبدی دریافت کند، از تاریخ، فرهنگ و شیوه اندیشه و زیست ساکنانش دریافت می‌کند. سبایلت این متغیرها در کنار روند رو به رشد شهرنشینی، بر پیچیدگی زمینه‌های شناخت، تحلیل و مدیریت آنها می‌افزاید. امروزه بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این میزان، در کشورهای توسعه‌یافته یا در کشورهای درحال‌توسعه با رشد بالایی رو به افزایش است. در ایران این نسبت از حدود ۳۵ درصد در ۵۰ سال اخیر، به بیش از ۸۰ درصد درحال‌حاضر رسیده است. افزایش تعداد شهرها از حدود ۶۰۰ شهر در ۳۰ سال پیش، به بیش از هزار و ۴۰۰ شهر درحال‌حاضر، گویای ابعاد متعدد و بعضا پیچیده این پدیده است. در زندگی متمدن امروزی، شهروندان عموما با سلاقی و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند؛ عده‌ای برای کسب‌وکار، گروهی برای پرکردن اوقات فراغت، گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و… . ازاین‌رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی و اخلاقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است و باید این روابط تحت نظم و قاعده‌ای درآید؛ چراکه در صورت نبود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر برروابط بین افراد حاکم شده و به هرح‌ومرج و ناسامانی خواهد انجامید. از طرف دیگر، شیوه زیست شهری الزامات و شرایطی را بیش آورده و می‌آورد که نمی‌توان و اصولا نباید با اندیشه‌ها و رویه‌های چند دهه پیش، به شناسایی و حل آنها اقدام کرد.

همواره ارتباط تنگاتنگی بین انسان و محیط پیرامون او وجود داشته؛ اما دیرزمانی است که بستر شهرهای امروزی، پاسخ‌گوی نیاز ساکنان خود نبوده و شدت فعالیت‌های شهری، شرایط سختی را برای شهروندان به وجود آورده است. در این میان، به نظر می‌رسد مقابله اصولی با معضلات ذکرشده، منوط به تدوین و اجرای صحیح قوانین و مقررات شهری، همگام با همکاری و مشارکت آگاهانه شهروندان است. به عبارت دیگر، فرایند تصمیم‌گیری در شهر، زمانی موجب منفعت شهر و مدیریت شهری می‌شود که شهروندان از توانایی لازم برای مشارکت مؤثر برخوردار باشند. به‌روزکردن قوانین و مقررات از یک‌سو و مهم‌تر از آن، ارتقای آگاهی‌های عمومی و توانمندسازی شهروندان، ساختارها و نهادها از سوی دیگر، موجب می‌شود توازن بهتری بین ساکنان با موجودی‌های شهر برقرار شده و امکان شناخت و حل مسائل و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها فراهم شود.

تغییر شیوه‌های زیست و سرعت تحولات شهری موضوع مهمی است که به نظر می‌رسد به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در درک ماهیت مسائل شهری و نیازهای شهروندان، چندان محل توجه مدیریت شهری قرار نگرفته است. جامعه ایران از دیرباز متشکل از سه خرده‌نظام ایلی، روستایی و شهری بوده است. با شروع مدرنیزاسیون، شهری‌شدن به تدریج شتاب گرفت. جمعیت شهرنشین ایران تا سال ۱۱۷۹ شمسی حدود ۱۰ تا ۱۴ درصد تخمین زده می‌شود. این جمعیت شهری در سال ۱۲۹۳ شمسی به حدود دو تا دویستم میلیون نفر رسید و تنها به فاصله کمتر از یک قرن، به بیش از ۶۸ میلیون نفر رسید. با تحولات بخش کشاورزی و گسترش تجاری‌شدن کشاورزی، ثروت شهری افزایش یافت و بازار اشتغال شهری را دستخوش تغییر کرد.

ادامه در صفحه ۱۷

شرق، شهرزاد همتی: آرام است، اما چشم‌هاش بی‌قرار… صورتش را از لنز دوربین فیلم‌بردار می‌دزدد و توی گوشم می‌گوید: «بنا نبود اینجا از من عکس بگیرن ها»، بند کیفش را توی دستانش می‌پیچانند، اول بند را دور یک انگشتش حلقه می‌کند، بعد انگشت سیابه دست دیگرش را داخل گره می‌کند، گره باز می‌شود و دوباره بازی را از سر می‌گیرد. قرار گذاشته‌ایم اسمش رعنا باشد؛ رعنای ۲۳ساله که به صندلی چوبی دفتر فیلم‌سازی تکیه داده، می‌خواهد برای اولین‌بار در یک جمع درباره آزار و اذیتی که در ۱۸سالگی از سه برادر دوستش دیده صحبت کند. رازی که هیچ‌کس از آن خبر ندارد جز خودش، دوستش و ما. رعنا می‌گوید: «خانه منیزه بودم، خانه‌شان دو تا کوچه بالاتر از ما بود. ما آن‌موقع‌ها حکیمیه بودیم، یک حیاط بزرگ پر از دار و درخت. بابایم باغبان بود و برای همین انگار ما توی بهشت زندگی می‌کردیم، بهشتی که یکباره برایم جهنم شد؛ از همان روزی که رقتم پیش منیزه تا برای کنکور درس بخوانیم. مامان و بابایم رفته بودند شیراز، شیراز بله‌برون دختردایم بود و من مانده بودم درس بخوانم؛ اما حسرت همه‌چیز توی دلم ماند؛ از درس خواندن تا زندگی‌کردن مثل آدم…».

رعنا می‌گوید از فرادیش دیگر با منیزه، رفیق مدرسه‌اش، حرف نزد، می‌گوید هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شد، از ترسش پرده را کنار می‌زد و می‌دید سه برادر سر کوچه‌شان ایستاده‌اند و جاقپوشیان را بالا و پایین می‌کنند، رعنا هیچ‌وقت به هیچ‌کس حرفی نزد، فقط به بابایش اصرار کرد خانه را عوض کند، اصراری که حالا شش ماه است اثر کرده و رعنا حالا ساکن تهرانپارس است.

صحبت‌نکردن رعنا با روان‌کاو و خانواده درباره تجربه تلخی که از سر گذرانده، برایش تجربه‌های تلخی به همراه داشته، شب اداری، کابوس‌های شبانه و ترک تحصیل، فقط بخشی از این تجربه‌هاست؛ تنها بخشی از چیزهایی است که رعنا می‌خواهد درباره‌اش حرف بزند. رعنا در تمام این سال‌ها هرگز به هیچ دوستی اعتماد نکرده و البته وسواس شست‌وشو نیز با او همراه است. آستین‌هایش را بالا می‌زند تا جای زخم‌هایش را ببینیم. می‌گوید: «فکر می‌کنم تمیز نمی‌شم، اون‌قدر خودم رو می‌شورم، فایده نداره. با الکل می‌افتم به جون خودم، هی می‌شورم، فایده نداره، هی خون می‌یاد، اما آروم نمی‌شم. مادر فکر می‌کنه برام دعا گرفتند…».

مطابق آمار ارائه‌شده در سال ۹۴ در قوه قضائیه، آخرین آمار جرم‌های کیفری که تا سال ۹۲ ثبت شده است، از افزایش شدید تجاوز به زنان و دختران در

چند سال اخیر در ایران خبر می‌داد. نماینده معاونت راهبردی قوه قضائیه از افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی تجاوز به‌عنف از سال ۸۹ خبر داده و گفته: در سال ۹۳ حدود هزارو ۳۱۳ مورد تجاوز به‌عنف گزارش شده است که این آمار در مقایسه با سال ۹۲ کاهش ۳۰ فقره‌ای را نشان می‌دهد؛ اما در مجموع از سال ۸۹ تجاوز به‌عنف یک افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی داشته و همان رقم تقریبا ثابت است. دکتر قنبرنژاد با بیان اینکه میزان ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران در سال ۸۹، حدود ۷۲ هزار مورد بوده است، گفت: براساس آمار نیروی انتظامی می‌گویند که خواهرم را طلاق بده، گفتند اگر خودم مرض نداشتم، خانه‌ای نمی‌آدم‌ک که سه تا پسر عذب دار. برادر بزرگش راه می‌رفت و می‌گفت: خاک بر سر بابات، خاک بر سر بی‌غیرتش که سر تو رو نمی‌بره. حالا تو اگر صдат دربیاد، ما می‌گیم که زن فاسدی هستی و بابات که قلیش رو عمل کرده، به خاطر تو زن خراب می‌میره…».

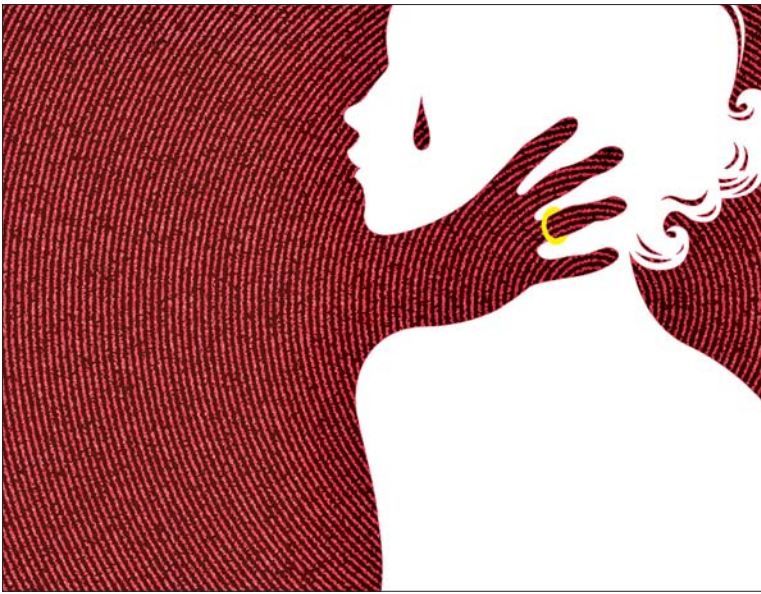
رعنا می‌گوید از فرادیش دیگر با منیزه، رفیق مدرسه‌اش، حرف نزد، می‌گوید هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شد، از ترسش پرده را کنار می‌زد و می‌دید سه برادر سر کوچه‌شان ایستاده‌اند و جاقپوشیان را بالا و پایین می‌کنند، رعنا هیچ‌وقت به هیچ‌کس حرفی نزد، فقط به بابایش اصرار کرد خانه را عوض کند، اصراری که حالا شش ماه است اثر کرده و رعنا حالا ساکن تهرانپارس است. صحبت‌نکردن رعنا با روان‌کاو و خانواده درباره تجربه تلخی که از سر گذرانده، برایش تجربه‌های تلخی به همراه داشته، شب اداری، کابوس‌های شبانه و ترک تحصیل، فقط بخشی از این تجربه‌هاست؛ تنها بخشی از چیزهایی است که رعنا می‌خواهد درباره‌اش حرف بزند. رعنا در تمام این سال‌ها هرگز به هیچ دوستی اعتماد نکرده و البته وسواس شست‌وشو نیز با او همراه است. آستین‌هایش را بالا می‌زند تا جای زخم‌هایش را ببینیم. می‌گوید: «فکر می‌کنم تمیز نمی‌شم، اون‌قدر خودم رو می‌شورم، فایده نداره. با الکل می‌افتم به جون خودم، هی می‌شورم، فایده نداره، هی خون می‌یاد، اما آروم نمی‌شم. مادر فکر می‌کنه برام دعا گرفتند…».

مطابق آمار ارائه‌شده در سال ۹۴ در قوه قضائیه، آخرین آمار جرم‌های کیفری که تا سال ۹۲ ثبت شده است، از افزایش شدید تجاوز به زنان و دختران در چند سال اخیر در ایران خبر می‌داد. نماینده معاونت راهبردی قوه قضائیه از افزایش ناگهانی ۲۰۰ تا ۳۰۰ موردی تجاوز به‌عنف از سال ۸۹ خبر داده و گفته: در سال ۹۳ حدود هزارو ۳۱۳ مورد تجاوز به‌عنف گزارش شده است و در سال ۱۴سالگی مورد آزار و اذیت پسرخاله‌اش قرار گرفته. تنها کسی که در خانواده‌اش می‌داند، مادرش است، او نیز می‌گوید: «تایستان‌ها همیشه به خانه خال‌دم در یزد می‌رفتیم، همه عشقم رفتن به یزد و بازی‌کردن با خاله‌زاده‌هایم بود، فکرش را هم نمی‌کردم یک روز پسرخاله‌ای که جای برادر بزرگم بود و دو پچه داشت بخواد اذیتم کند. ظهر گرم یک روز شهریوری، یک هفته مانده به بازگشت ما به کرج و آماده‌شدن برای مدرسه، همه‌چیز عوض می‌شود. سمیه می‌گوید: «رفته بودم توی انباری که به لواشک‌های آویزان‌شده ناخن بزنم. محمود پشت سرم آمد، در را بست و گفت چون دستم به لواشک‌ها نمی‌رسد، بغلم می‌کند، من هم با خوشحالی قبول کردم و خودم را بالا کشیدم، همان‌طور که لواشک‌ها را از روی بند برمی‌داشتم احساس کردم دست محمود روی تنم حرکت‌های عجیبی می‌کند، پکهو دستم شل شد، شروع کردم به تفلاکردن، یک مرتبه عصبی شد. من را به دیوار کوبید و گفت: خفه شو. نفسم بالا نمی‌آمد، بدنم تازه جوانه زده بود، ترسیده بودم، دستش بالا و پایین می‌رفت و حرف‌های رکیک می‌زد. بعد هم به گوشه‌ای پرتم کرد و گفت: اگر صدایم دربیاید، سرم را می‌برد».

جامعه

چرا آدم‌ها وقتی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، آن را پنهان می‌کنند؟

سکوت بره‌ها



سمیه تا رفتن از خانه خاله‌اش سکوت می‌کند، به خانه که می‌رسند، همه‌چیز را به مادرش می‌گوید: «مادر اشک می‌ریزد و می‌گوید اگر پدر سمیه چیزی بفهمد، خون به پا می‌شود. آنها هر دو سکوت می‌کنند، مادر در برابر زنجی که سمیه تا به امروز کشیده، سکوت می‌کند. خانه خاله دیگر در رؤیاها باقی می‌ماند و هیچ‌کدام پا به آنجا نمی‌گذارند». سمیه می‌گوید: «پارسال محمود پیغام داد و حلالیت طلبید؛ اما دیگر دیدن اسمش هم حالم را بد می‌کند».

دکتر بهمن کشاورز، وکیل پایه‌یک دادگستری، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره مراحل رسیدگی به شکایت تجاوز می‌گوید: «احراز وقوع رابطه جنسی در زمانی که بحث مسائلی نظیر زناي محصنه یا زناي غیرمحصنه ناشی از ترازوی مطرح باشد، یک مقوله است و بحث تجاوز به عنف و با اعمال زور، مسئله دیگری است. در مورد اول باید ادله شرعی موجود باشد؛ به این نحو که شهود به تعداد مقرر در شرع و قانون، بر وقوع آن شهادت دهند و شهادتشان چنان باشد که در شرع مقرر شده یا مرتکب یا مرتکبان اقرار کنند. البته باید توجه شود اقرار هریک از آنان صرفا علیه خودشان قابل استناد است و نه در طرف مقابل». وی افزود: «اما در مورد زناي به

عنف، نباید در پی دلایل شرعی روابط جنسی بدون اجبار بود؛ در این مورد می‌توان موضوع را با استناد به دلایل علمی یعنی نظر پزشکی قانونی، قرائن و امارات و از همه مهم‌تر تست دی.ان.ای احراز کرد. مورد اخیر دلیلی است که تقریبا قابل رد و خدشه نیست؛ یعنی تقریبا محال است که دی.ان.ای دو نفر با هم اشتباه شود. ازاین‌رو گمان می‌رود باید به مردم اطلاع‌رسانی شود تا از شکایت واهمه نداشته باشند. یک نکته اجتماعی و مبتنی بر نوعی دیدگاه فرهنگی غلط وجود دارد که باید اصلاح شود و آن اینکه متأسفانه وقتی به خنمی تجاوز می‌شود، به نوعی احساس گناه می‌کند و از آن بدتر اینکه برخی از افراد جامعه هم نه به دیده فرد بزه‌دیده و محل ظلم واقع‌شده، بلکه با نظر تحقیر به او می‌نگرند». عضو کانون وکلای دادگستری خاطرنشان کرد: «این

برداشت و تلقی، سراسر اشتباه، قبول‌نشدنی و دور از انسانیت است. این مورد هیچ تفاوتی با موارد ندارد؛ مانند آن است که اگر سگ هاری به کسی حمله و او را مجروح کرد، ما به فرد مجروح با دیده تحقیر نگاه کنیم و ایراد بگیریم که چرا سگ هار به تو حمله کرده است. بدیهی است تغییر آن طرز فکر، محتاج کار فرهنگی است و باید ذهن‌ها تغییر کند؛ اما درعین‌حال لازم است خانم‌ها قدر خود را بدانند و حقوق خود را بشناسند و هرگز در مقابل متجاوزان کوتاه نیایند. باید توجه کرد این تجاوز می‌تواند رابطه جنسی به معنای اخص با اعمال زور باشد تا سایر تعرضات بدنی و حتی لفظی که به کرامت انسانی خانم‌ها و حرمت ایشان لطمه می‌زند. درعین‌حال مراجع محترم قضائی نیز باید در این موارد حساسیت بیشتری به خرج دهند و به‌ویژه از دلایل علمی به شکل وسیع‌تر و بیشتری استفاده کنند و همین‌طور در آموزش دختران خود چنان رفتار کنند که دختران در قبال این‌گونه تهاجم‌ها و تجاوزها، دچار احساس گناه نشوند و از حقوق خود نگذرند و در مقابل متجاوز سکوت نکنند. البته نقش مردانی که در جریان این قبیل امور قرار می‌گیرند و باید عکس‌العمل به‌موقع و قاطع نشان دهند، نباید فراموش کرد».

به‌طورکلی در فرهنگ حاکم بر عامه مردم، کسی که به او تجاوز می‌شود با فرد متجاوز به یک اندازه مقصر به نظر می‌رسند. شاید در ابتدای امر آدم‌ها به دیده ترحم به فرد آزاردیده نگاه کنند؛ اما کم‌کم این نگاه ترحم‌آمیز تبدیل به تمسخر می‌شود. درحالی‌که فردی که به او تجاوز شده، نیاز به ترحم ندارد؛ او نیازمند کمک برای رسیدن به حق خود از مراجع قانونی است واکنش‌ها نسبت به آزار و اذیت جنسی نیز متفاوت است. دکتر شیرین پوری، روان‌پزشک و استناد دانشگاه برکلی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره واکنش متفاوت افراد در قبال فرد متجاوز می‌گوید: «افراد واکنش‌های مختلفی را در این شرایط نشان می‌دهند؛ عده‌ای به فرد متجاوز مانند ابرقهرمان نگاه می‌کنند؛ مانند افرادی که به مردی که با وی در ارتباط هستند نگاهی ماورایی دارند و زمانی که مورد تجاوز و توهین وی قرار می‌گیرند، به نظرشان مهم نیست و در برابر آزار و اذیت‌های چندباره نیز سکوت می‌کنند. دسته دوم آنهایی هستند که دلشان می‌خواهد در هر شرایطی قربانی باشند؛ آنها می‌خواهند با نشان‌دادن خود به‌عنوان قربانی، از دیگران امتیاز بگیرند. دسته سوم تلاش می‌کنند جلوی تجاوز را بگیرند و در صورتی که آزار و اذیت بشوند، سعی می‌کنند این موقعیت برایشان تکرار نشود. این دسته سوم بیشترین آسیب را می‌بینند». وی می‌افزاید: «در برخی از جوامع، فردی که به او تجاوز شده از بیشترین حمایت اجتماعی و قانونی برخوردار است؛ رفتاری که با وی می‌شود منطقی است و او با وجود زحری که کشیده؛ اما سریع‌تر می‌تواند به زندگی عادی برگردد؛ اما مسئله در کشورهایی با فرهنگ سنتی برعکس است؛ آدم‌ها از فردی که به او تجاوز شده، دوری کرده و او را به‌خاطر حفظ آبرو وادار به سکوت می‌کنند. این نگاه در قوانین جاری نیز روان می‌شود؛ یعنی وقتی شما وارد دادگاه‌ها و مجاری قانونی می‌شوید، ممکن است با آدم‌هایی روبه‌رو شوید که توصیه کنند در برابر این اتفاق سکوت کنید، یا حتی به بزرگ‌تر فردی که به او تجاوز شده، بگویند دختر با پسر شما به‌خاطر حفظ آبرو وادار به سکوت می‌کنند. این روابط جنسی می‌دهد. افراد از این نگاه می‌ترسند و ترجیح می‌دهند خودخوری کنند یا حتی خودکشی را انتخاب می‌کنند.

یادداشت

تبعیض مثبت به سود زنان توانمند در جامعه مدنی

مهدی بهلولی ـ عضو کانون منفی معلمان

● توانمندی، جنسیت‌بردار نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که مردان نسبت به زنان، روی‌هم‌رفته انسان‌هایی توانمندتر باشند. همه ما در زندگی، مردان ناتوان بسیار دیده‌ایم و در برابرش زنانی که در زمینه‌های گوناگون، بسی شایسته و توانا هستند. یکی از جاهایی که توانمندی‌های زنان، نمود آشکارتری می‌یابد، جامعه مدنی است. به‌عنوان کسی که چیزی حدود ۱۵ سال، از دور و نزدیک، در کارهای صنفی آموزگاران هستم، می‌توانم گواهی بدهم که برخی از زنانی که با په این گستره نهاده‌اند از بسیاری از مردان، کارآمدتر و شایسته‌ترند. النور روزولت، همسر فرانکلین روزولت، سی‌ودومین رئیس‌جمهور آمریکا در مورد زنان، گرین‌گویه برمعنا و زیبایی دارد: «یک زن همچون یک چای کیسه‌ای است؛ شما هرگز نمی‌دانید تا چه اندازه پرزن است پیش از اینکه در آب گرم بیفتد». کار مدنی، چیزی در همین مایه‌های آب گرم است و بسیاری از زنان، زمانی‌که با به آن و سختی‌هایش می‌گذارند، توان و شایستگی‌های نهفته وجودی‌شان را نشان می‌دهند. کار مدنی و گروهی، زمان‌بر و خسته‌کننده است؛ شک‌بایی، دلسوزی، شهودگی، اندیشگی، ادب و اخلاق می‌خواهد که به‌گمانم اگر اینها در وجود زنان بیش از مردان نباشند کمتر هم نیستند. دیکتاتوری که یکی از آسیب‌های جدی کار گروهی و مدنی است، در رفتار زنان کمتر از مردان پدیدار می‌شود. زنان در کارهای مدنی، با ادعای کمتر، کار بیشتر و ارزنده‌تری انجام می‌دهند و در اموری که به آنان سپرده می‌شود جدی و دقیق و پیگیرند. مارگارت تاجر، نخستین نخست‌وزیر زن انگلستان، می‌گوید: «در سیاست، اگر شما بخواهید که چیزی گفته شود از یک مرد درخواست می‌کنید، اما اگر می‌خواهید کاری انجام گیرد، از یک زن درخواست می‌کنید». خوشبختانه هم‌اکسون و با گسترش ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی، حضور زنان در کارهای مدنی، آسان‌تر از گذشته شده است و نیازی نیست که همواره در جهان واقعی حضور داشته باشند. این است که آهسته‌آهسته نمودشان در جامعه مدنی و اثرگذاری‌شان در گستره اجتماع، بیشتر می‌شود. دراین‌میان پارهای کم‌وکاستی‌های فرهنگی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد در کنش‌ها و نهادهای مدنی، حق زنان فرهیخته و توانمند به آنان برسد. گونه‌ای باورنداشتن به توانمندی‌های خودشان، مانع دستیابی زنان به جایگاه و موقعیت‌هایی است که شایستگی و سزاواری آن را دارند. ازاین‌رو، در نهادهای مدنی، نیاز به‌گونه‌ای تبعیض مثبت به سود زنان توانمند احساس می‌شود تا آسان‌تر در موقعیت‌های مهم‌تر و رهبری قرار گیرند. باین‌حال نباید فراموش کرد که بهبود در این زمینه آسان نیست. انتظار دگرگونی‌های چشمگیر و زود هنگام، می‌تواند انگیزه‌ها را از بین ببرد. یک فرهنگ با کلیشه‌ها و تابوهایش، در اندک‌زمانی پدیدار نشده است که بخواهد با اندک نقد و روشنگری‌ای دست‌خوش دگرگونی‌های شتابان است، اما داستان هسته‌های سخت فرهنگی که با کوشش و پوست آدمیان آمیخته است، تا اندازه‌ای متفاوت است.

جدول ۲۸۱۰ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- ضربه سر در فوتبال- زمین پر از سنگ- بسندگی ۲- بیش از حد لزوم- اندازه متوسط در یوشاک- نیم‌سال تحصیلی ۳- پربا‌ترین رودخانه شمالی آذربایجان شرقی- بخشنده- ایالتی در آمریکا ۴- فصل برگ‌ریزان- آگهی تلویزیونی- زیبایی قابل درک اما توصیف‌ناپذیر ۵- ابزار برف‌روبی- قدر زر را او می‌داند و بس- قهقهه ۶- یار سلامان- دانا و آگاه- سریع‌ترین نوع شنا ۷- بنفش کمرنگ- ترسناک- مقابل فرع ۸- پوستین- پرندگان- حبه خشک شده انگور- زیرپا مانده ۹- ممنوعیت ورود به جایی- رابطه خویشاوندی آ‌با و اجدادی- بندری در لوکراین ۱۰- استان جنوبی- زوال‌پذیر- مکر و حيله ۱۱- کلمه پرسش-ی- زاهد گوشه‌نشین- لاستیک رویی چرخ خودرو ۱۲- حالت عاطفی- شهرآورد- سروصدا ۱۳- مقاومت متغیر سه سر- رایانه لوحه‌ای- هفتمین ماه قمری ۱۴- برای بیان درد و آ‌زردگی به کار می‌رود- چاه فاضلاب- هال ۱۵- نابود شده- از متعلقات اسلحه که برای جنگ تن‌به‌تن استفاده می‌شود- ریشه.

عمودی:

۱- جانوری بی‌مهره با بدن بندبند- اقدامی خوب برای اتفاق و تعاون در جامعه- حلال نیست ۲- صومعه- خودداری نمایندگان مجلس از حاضرشدن در جلسه برای عدم تصویب لایحه ۳- قهوه تلخ- میمون در گویش عرب‌ها- سازگاری ۴- آب بند - قسمت‌های میانی هر چیز- ششم ۵- احسان- اولین

۹	۸	۲	۶	۷	۵	۴	۱	۳
۶	۴	۸	۱	۷	۲	۵		
۱	۷	۵	۲	۴	۳	۶	۸	
۳	۲	۷	۵	۹	۱	۴	۶	
۸	۵	۱	۳	۶	۴	۷	۲	
۴	۶	۹	۷	۱	۲	۵	۳	۸
۷	۱	۶	۵	۲	۸	۳	۹	۴
۲	۹	۴	۱	۳	۶	۵	۸	۷
۵	۳	۸	۴	۹	۷	۲	۶	۱

حل سودوکو سخت

۷	۳	۴	۹	۵	۸	۶	۱	۲
۵	۱	۲	۴	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۶	۱	۲	۷	۵	۴	۳	
۴	۶	۳	۷	۱	۵	۲	۹	۸
۸	۵	۹	۶	۳	۲	۱	۷	۴
۲	۷	۸	۴	۹	۱	۳	۶	۵
۳	۱	۸	۵	۷	۱	۴	۲	۶
۱	۴	۵	۲	۹	۶	۸	۳	۷
۶	۲	۷	۳	۸	۴	۹	۵	۱

جدول ۲۸۰۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱						ا	ب	پ	ت	ث	ج	د	ذ	ر
۲	م	ل	ک	و	ت	س	ن	ب	و	ب	و	ب	ن	ب
۳	ا	ب	و	ب	ن	ب	و	ب	ن	ب	و	ب	ن	ب
۴	ا	ب	و	ب	ن	ب	و	ب	ن	ب	و	ب	ن	ب
۵	ف	ت	ن	ا	و	ب	ج	ر	ا	م	ک	س		
۶	ک	و	ل	ر	ا	س	ن	د	ن	د	ش	ت		
۷	ن	ز	ا	ز	ا	د	س	ن	ت	ا	ت	ا		
۸	ا	م	ی	ن	ب	ی	ا	ب	ر	ن	ا			
۹	ه	م	ت	ا	ب	ا	ر	ف	ی	ک	ی	س	پ	ف
۱۰	ت	ی	ر	ب	ا	ر	ا	ل	ه	و	س	و		
۱۱	ن	ا	ن	ف	ر	ن	ه	و	ن	ا	م	ک	ی	
۱۲	ح	ک	ن	ج	ک	ا	و	ا	د	ب	ی	ا		
۱۳	ر	و	م	ا	ل	س	ا	و	ا	د	ب	ی		
۱۴	م	د	ر	ا	س	ت	ک	و	ن	ی	م	ر		
۱۵	ا	ج	ا	ه	ت	ا	ن	ا	ت	ن	ا	ش		

سودوکو سخت ۱۸۰۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۸۰۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که با عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۶				۵		۸	۹
۸	۲	۳		۵			
۴		۸	۳		۷		
	۵		۲	۶		۱	
۲		۹	۸	۴	۷		
۹	۳	۱	۶	۷			
			۹	۴		۵	
			۲		۷		
۶		۷					۱